



## تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۰	تاریخ	۱۴۰۱/۰۷/۲۴
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	سیره و اخواتها				
عنوان ۴	بررسی حجیت بنای عقلاء				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

بحث در این بود که آیا بنای عقلاء می تواند در کشف از حکم شرعی حجبت باشد یا خیر؟ ابتدا معنای بنای عقلاء را تعریف کرده و گفتیم، حوزه بنائات عقلایی، حوزه احکام است. بنای عقلایی به معنای حکمی است که عقلاء بر آن حکم توافق می کنند. سپس گفتیم چند نوع بنای عقلایی وجود دارد. نوع اول آن، بنای عقلایی است که تمام عقلاء از ابتدا تا انتها بر آن اتفاق دارند. می توان گفت وجود چنین بنای عقلایی در صورت وجود، کاشف از حکم عقل (حسن و قبح عقلی) است که می تواند موضوع قاعده ملازمه شود و اگر قاعده ملازمه را پذیرفتیم، چنین بنای عقلایی با چنین شرایطی، می تواند کاشف از حکم شرع باشد که این حکم شرعی به دلیل موانعی که ستمگران به وجود آوردند، به ما نرسیده است. باید دقت شود که عقل، از آنچه خدا تقنین کرده است کشف می کند؛ عقل، حاکم نیست و اینطور نیست که گفته شود خداوند حکمی نداشته و منتظر بوده که عقلاء رفتاری را انجام دهند تا بخواهد آن را تأیید کند؛ لذا گفته ایم اگر مراد از امضایی بودن معاملات این باشد که گفته شود که شارع حکمی در باب معاملات نداشته و رفتار عقلاء را تأیید کرده است، حرف بسیار غلطی است؛ زیرا خداوند از ابتدا برای تمام آنچه بشر ممکن است به آن نیاز پیدا کند قانون و حکم داشته است؛ اولین مقنن، خداوند بوده است که قوانین خود را از طریق انبیاء علیهم السلام ابلاغ کرده است و عقلاء از خداوند قانون گذاری را آموخته اند؛ نه اینکه عقلاء رفتاری را انجام دهند و خداوند حکم خود را مطابق رفتار عقلاء صادر کند. در ابتدای مباحث حجبت و در بحث حق الطاعة، به تفصیل توضیح دادیم که مسأله قانون گذاری و تشریع، از فروع مولویت است؛ لذا بنای نظام تقنین در جهان غرب، مبنا ندارد؛ زیرا اولین سؤالی که از نظر فلسفه قانون و تشریع باید پرسیده شود این است که «تو که هستی که می خواهی برای من قانون جعل کنی؟» اگرچه همه مردم دنیا جمع شده و اتفاق نظر کنند و بخواهند یک قانونی را برای من وضع کنند، من حق دارم بگویم به شما چه مربوط است که قانون تصویب کنید؟ حق تقنین، نیاز به مولویت دارد؛ تا مولویت درست نشود، تقنین محال است.

دومین نوع بنای عقلایی بنایی است که مورد اتفاق تمام عقلاء نبوده و معاصر معصوم نیز نباشد؛ چه این بنای عقلایی سابق بر زمان معصوم باشد و چه لاحق بر زمان معصوم باشد. چنین بنای عقلایی نمی تواند کاشف از حکم معصوم باشد.

اگر بنای عقلایی تبدیل به سیره شد و این سیره در زمان معصوم وجود داشته و معصوم از آن نهی و ردع نکرده است، کاشف از این خواهد بود که حکم شارع، مطابق با این سیره بوده است؛ لذا از حکم شرعی کشف می‌کنیم. نکته کشف در اینجا این است که در چنین صورتی، ظهور حالی به رضایت به چنین سیره‌ای به وجود می‌آید.

توضیح آنکه ظهور گاهی لفظی است؛ مانند اینکه می‌گوییم صیغه امر، ظهور در وجوب دارد؛ و گاهی فعلی و حالی است. گاهی سکوت در برابر یک عمل، ظهور حالی درست می‌کند. مثلاً پدر یا معلمی در برابر رفتاری که پسر یا شاگرد انجام می‌دهد، هیچ عکس العمل منفی از خود نشان نمی‌دهد. با اینکه هیچ محذوری در نهی از آن عمل یا واکنش در برابر آن وجود نداشته است. این سکوت در برابر این رفتار، کاشف از این است که این شخصی که سکوت کرده، راضی از این فعل بوده است. این سکوت، ظهور حالی بر رضایت است.

نکته اینکه گفته می‌شود سیره عقلاء یا بنای عقلاء می‌تواند کاشف از حکم شرعی باشد، ظهور داشتن سکوت معصوم، در برابر یک رفتار عقلایی بر رضایت ایشان نسبت به آن رفتار است.

با توجه به نکته کاشفیت بنای عقلاء از حکم شرعی، اگر بنایی وجود داشته باشد که به سیره تبدیل نشده است، آیا سکوت معصوم در برابر چنین بنایی، می‌تواند چنین ظهوری ایجاد کند؟

آیا در میان عقلاء، سکوت یک معلم و انسان مرشد و راهنما در برابر بنایی که یکی از اطرافیانش دارد و هنوز تبدیل به عمل نشده است، ظهور حالی بر رضایت ایجاد می‌کند؟ خیر؛ چنین سکوتی که در برابر بنایی است که تبدیل به عمل نشده، ظهور حالی بر رضایت ایجاد نمی‌کند.

تا بناء، بناء صرف است و تبدیل به سیره نشده است، موجب ظهور سکوت بر رضایت نمی‌شود. به عبارت دیگر تبدیل بناء به سیره، از مقومات ظهور سکوت در امضاء و رضا است. از مقومات دیگر این رضا، معاصرت سیره با معصوم است. شرایط دیگری نیز دارد که در آینده بیان خواهیم نمود.

نوع سوم از بنای عقلایی، بنای عقلایی معاصر معصوم است. اگر بنای عقلایی معاصر معصوم نیز به سیره عملیه تبدیل نشود، سکوت معصوم در برابر چنین بنای عقلایی، ظهور حالی در رضا ندارد؛ لذا نمی‌تواند کاشف از رأی معصوم باشد.

بنابراین سکوت معصوم نسبت به بنای عقلایی که معاصر معصوم بوده اما در خارج نمود عملی پیدا نکرده و تبدیل به سیره عملی نشده است، ظهوری بر رضایت ایشان بر آن بنای عقلایی ندارد و نمی‌تواند کاشف از حکم شرعی باشد؛ لذا به طریق اولی اگر این بنای عقلایی که به سیره عملی تبدیل نشده، معاصر معصوم نباشد (یعنی نوع دوم از بنای عقلایی که در بالا ذکر کردیم)، سکوت معصوم نسبت به آن، نمی‌تواند دلالت بر تأیید آن بنای عقلایی باشد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهین